

ألا

استعمالی
وجوه

علی
خمسه
أوجه

التنبیه

معنا
خصوصیت مدخول

فقتل علی
تحقق ما
بعدها

این هشام در متن معنی الیلب: ألا را مرکه از همزه استفهام انکار اطلاق می داند و دلالت بر تأکید داشتش را به همین علت می داند زیرا همزه استفهام زمانی که بر نفی وارد شود مفید تحقیق و تأکید است
صیان ج 2 ص 16: اکثر نحویین قائل به بسطه بودن آلی تنبیه می باشند و ازهری در التصریح ج 1 ص 355 نیز ألا را بسطه می داند

و تدخل علی الجملتين

كقوله تعالى: (ألا إنهم هم السفهاء) (البقرة / ۱۳)
«و قول أميرالمؤمنين (عليه السلام): «ألا فما يصنع بالدينا من خلق للأخرة؟»

التوبيخ
و التوبيخ و
الإتكاف

مثال
نکته

كقوله ألا ارعوا لمن ولت
شبيبهه و أدنت بمشيب بعده هرم

و يقول العربون فيها: حرف استفتاح

ارزیابی اسم توسط ابن هشام

فیبینون مکاتها و یهملون معناها

لسان العرب: ارعوا به معنی الکف عن الشئ است و کثیرا در ترک امور مستهجن استعمال می گردد، آذنت به أعلمت، شیب به معنی سفیدی مو و مشیب به معنی ورود مرد به این مرحله است، هرم به معنی نهایت کبر سن است

التمني

مثال

كقوله: ألا عمر ولي مستطاع
رجوعه فيراب ما أثأت يد الغفلات

برآب به معنی یصلح می باشد؛ آثأت به معنی آفتندت می باشد که در اصل آثأتت از ماده ثای بوده است که باء بعد از تبدیل شدنش به الف در التفاء ساکنین با تاء حذف گشته است
شاهد بر تمنی بودن لیت در مثال

«و لهذا نصب «یرأب»
دلایل نصب

بعت در آلی مفرده است در حالی که مقتضای عبارت مصنف این است که ألا دو حرف است و دارای دو معنا بنابرین ألا یک کلمه نیست بلکه دو کلمه یعنی همزه استفهام و حرف نفی است

الرابع: الاستفهام عن النفي

استفهامیه

نحو: «ألا اصطبار؟» و هذه الأقسام الثلاثة مختصة بالدخول
على الجملة الاسمية، و تعمل عمل «لا» التبرئة

مثال
ألا اصطبار: قسمی از بیت شعری است که قیس بن ملحج یا همان مجنون درباره لیلی گفته است و کلّ بیت این است: ألا اصطبار لسمی أم لها جلدٌ إذا لاقی ألدی
إفاه أمثالی: یعنی آیا برای لیلی صبر نیست یا برایش صبر و ثبات است زمانی که من ملاقات کنم (مرگی را) که امثال من آن را ملاقات خواهند کرد؟

ولكن تختص التي
للتمني بانها لاخير
لها لفظاً و لا تقديراً

نکته از رضی ج 2 ص 172
نکته از امیر ص 66

زیرا مثلا مثال "ألا غلام" به معنی "أتمنى غلاما" می باشد یعنی ألا به معنی فعل و اسمش به معنی مفعول است بنابرین از حیث معنا کامل بوده و بی نیاز از خیر است
بنابرین "ألا ارعوا" جمله ای مرکب از حرف و اسم است مانند جمله ندانیه مانند: یا زید؛ همانطور که "یا" نائب از فعل آتمنى است

و أنها لايجوز الغاؤها ولو تكررت
أما الأول فلأنها بمعنى «أتمنى» و «أتمنى» لا خير له
و أما الاخران فلأنها بمنزلة «ليت»
و هذا كله قول سيبويه و من وافقه

نکته
نکته

اما در لای نفی جنس می توانیم محل لای نفی جنس با اسمش را لحاظ نماییم و همانطور که سیوطی در
الهیجة المرضیه گفته است مثلا در نعت مفرد از اسم مفرد لای نفی جنس سه وجه جائز است
این قول بنابر قول سیویه و خلیل است که این مالک نیز پذیرفته است و ظاهرا نظر مشهور نیز همین است اما مازنی و میرد
مخالفتند و قائل به جواز رعایت محلّ ألا با اسمش می شاند و این حاجب نیز نظر آنها را پذیرفته است

نتیجه این سه ویژگی در
ترکیب شعر مذکور

و علی هذا فيكون قوله في البيت: «مستطاع رجوعه» مبتدأ و خيراً على التقديم و التأخירו الجملة صفة ثانية
على اللفظ و لا يكون «مستطاع» خبراً أو نعتاً على المحل و «رجوعه» مرفوع به عليهما؛ لما بينا

نکته در ترکیب: وعلی هذا فيكون

امیر: فاه زانده بوده و ترتیبی را که "علی" می رساند تأکید می نماید
دماینی: عاطفه است و معطوف علیه محذوف است ای: و علی هذا بفصل الكلام فيكون

یعنی "ولی" که صفت "عمر" است محلاً منصوب است بنابر حمل بر لفظ زیرا اعراب نصب بنابر حمل بر
فحه بنانی است به خاطر شباهت بین آندوه؛ بهتر بود می گفت بنابر حمل بر محلّ قریب اسم لا که نصب است

الخامس: العرض و التحضيض

عرضیه و
تحضیضیه

معنا
تفاوت عرض و تحضيض

و معناهما طلب الشئ

ولكن العرض طلب بلين و التحضيض طلب بحث
و تختص «ألا» هذه بالفعلية

نحو: (فجاء بعجل سمين فقرية بهم قال ألا تأكلون) (الذاريات / ۲۶ و ۲۷)
(ألا فثابتون قوما نكثوا أيمانهم) (التوبة / ۱۳)

نکته از التصريح علی التوضیح ج 1 ص 356

حروف تحضيض عبارتند از: لولا، لوما، هنا، آلا و ألا؛ و معنی آنها

اگر بعدشان فعل مضارع قرار گیرد
اگر بعدشان فعل ماضی قرار گیرد

به معنی امر خواهد بود
به معنی توبیخ و ملامت بر ترک خواهند بود

نکته از رضی

از بین حروف تحضيض تنها "ألا" برای عرض نیز استعمال می گردد

همگی آنها صدارت طلبند

خصوصیت حروف تحضيض

گاهی جواب قرار می گیرد
بعضی از ادات تحضيض و عرض

حتماً باید فعل مضارع باشد
گاهی جواب قرار نمی گیرد

فعل مضارع مابعد منصوب به آن مقدره می گردد
فعل مضارع مابعد مجزوم به شرط محذوف می گردد

حرف تحضيض

وجه استعمالی
ویژگی مدخول
مختص بالجمال الفعلية الخبرية كسانرادوات التحضيض

التنبیه

بررسی یک مثال

(ليس من أمثلة «ألا» التي في (إنه يسئم الله الرحمن الرحيم ألا تغلوا على(التمل / ۳۰ و ۳۱

بل هذه كلمتان

احتمال اول
احتمال دوم

«أن» الناصبية و «لا» النافية
أو «أن» المفسرة و «لا» الناهية